

رازپرسؤال ببرد. با عقب‌نشینی رقیب چین از این تلاش ناموفق، برای پکن فرصتی فراهم شد تا نقش رهبری منطقه‌ای را به عهده بگیرد. با وجود اینکه پکن رسماً فرضیه‌های غرب مبنی بر پر کردن خلأ قدرت ایالات متحده در کابل وارد می‌کند، چین به عنوان تنها بازیگر بین‌المللی‌ای که فعلاً در افغانستان فعالیت می‌کند، ظاهر شده است. پس از کاهش حضور واشنگتن در کابل، چین به عنوان یک میانجی اساسی در میان قدرت‌های منطقه‌ای به ایفای نقش پرداخته است. چین با پاکستان، روسیه و ایالات متحده رایزنی‌هایی داشته و بیانیه‌های مشترکی را برای زیر نظر داشتن افغانستان صادر کرده‌اند.

با این حال، کار چین با افغانستان تحت سلطه طالبان آسان نخواهد بود. از آنجایی که پیروزی طالبان در حال حاضر یک عمل انجام شده است، به رسمت شناخته شدن مشروعیت آن توسط جامعه جهانی در نهایت رخ خواهد داد. تا آن زمان چین یکی از تنها کشورهایی خواهد بود که رهبری طالبان را به رسمیت می‌شناسند. با توجه به سابقه طالبان، چین باید در مورد ظهور تروریسم اسلامی، موج جدید پناهندگان و افزایش مواد مخدر جانب احتیاط را نگه دارد. اگر طالبان سیاست‌های معتدلی را دنبال کند که موجب تسهیل تعامل با سایر کشورها شود و به ثبات سیاسی دست یابد، مجموعه‌ای از سرمایه‌گذاری‌ها را جذب خواهد کرد. با این حال افغانستان می‌تواند یکی از بزرگ‌ترین آزمون‌های مدل دیپلماتیک چینی باشد که توسط وام‌ها، کالاها و قراردادهای زیربنایی هدایت می‌شود. به نظر می‌رسد که چین در حال انجام یک شرط‌بندی ژئوپلیتیکی پرخطر با سود بالا در افغانستان است. شبیه به همان کاری که در سومالی انجام داد. این را که در این زمینه موفق بشود یا نشود، فقط زمان می‌تواند مشخص کند.


پی‌نوشت:

[1] Understanding
China in Taliban-led
Afghanistan
[2] Dr. Chulanee
Attanayake

